

دکتر رحیم هویدا  
استاد دانشگاه تبریز

## رودخانه قزل اوزن و پل پلدختر\*

### رودخانه قزل اوزن

رودخانه قزل اوزن از ارتفاعات چهل چشمه کردستان سرچشمه گرفته و پس از عبور از منطقه گروس و جذب رودخانه‌های متعدد وارد جلگه خمه شده و رودخانه‌های زنجان رود و ابهرچای را ضمیمه خود ساخته و بسیر خود ادامه داده و در حدود پلدختر وارد تنگه کوهستانی قافلانکوه شده و از کنار این کوهستان گذشته و نرسیده بشهر میانه رودخانه‌های قرانقور آید و غموش و هشترو دراکه بالاخره بمیانه رود می‌پیوندند و از غرب بشرق جریان دارند ضمیمه خود ساخته و در این محل در عرض جغرافیائی ۳۷ درجه و ۲۶ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۵۱ دقیقه طولشرفی بسیر خود ادامه داده و تقریباً در برابر «میانه» بسوی مشرق قوسی زده و از کنار ارتفاعات ماسوله جاریدست .

رودخانه پس از گذشتن از کنار آبادیهای متعدد و جذب شاخه‌های زیاد از ساحل راست و چپ در حدود تنگه منجیل روخانه عظیم شاهرود که از ارتفاعات طالقان جاریدست بآن پیوسته توأمآ وارد تنگه منجیل شده ، و از این جا بعد سفید رود نامیده میشوند. راجع بنام قزل اوزن در کتب و مآخذ کهن جغرافیا و تواریخ قدیم تا حدود اوایل قرن هشتم هجری مطلبی نیست و نگارنده با مطالعه منابعی که در دسترس داشت در هیچکدام از آنها نام قزل اوزن را مشاهده ننمود و حتی در کتبی مانند جهانگشای جوینی و راحة الصدور نیز که تقریباً تا حدود اواخر قرن هفتم میتوان از آنها یاد نمود نام قزل اوزن ضمن وقایع تاریخی دیده نمیشود و در همه مدارک قدیمه از آن با نام سپید رود اسپید رود ، جوی سپید و اسپید رود یاد شده است که ما اینجا بچند قمره از آنها اشاره می‌کنیم ،

۱- این خردادیه در کتاب معروف خود بنام المسالك و الممالك (۲۳۲ هجری) نام این رودخانه را سفید رود قید نموده .

۲- ابوعلی احمد بن عمر بن رسته دانشمند و جغرافیدان ایرانی در سده سوم هجری در کتاب خویش بنام الاعلاق النقیسه اسم این رودخانه را سفید رود نوشته است .

۳- در کتاب حدود العالم نیز که از کتب قدیم و معتبر جغرافیاست و در سال ۳۷۲ هجری قمری نوشته شده آنرا سپید رود ذکر کرده است .

شهاب الدین ابی عبدالله بن یاقوت الحموی متوفی بسال ۶۲۶ هجری قمری در کتاب خود بنام معجم البلدان در توصیف سفید رود چنین مینگارد ،

\* بدینوسیله از محققین و دانشمندان گرامی تمنا دارد چنانچه مطالب مستند و جدیدی راجع بنام قزل اوزن و وجه تسمیه آن در دسترس داشته باشند وسیله گرامی مجله ینما یا مستقیماً اینجانب را در جریان اطلاعات ذیقیمت خود قرار دهند که موجب سپاس فراوان خواهد بود .

(اسفند رود، معناه النهر الابيض، و هواسم لنهر مشهور من نواحی آذربایجان منخرجه من عند بارسيس و يصب فی بحر جرجان، قال الاصطخری فیہ و اصلی من بلاد ديلم.) (۱)  
 ۵- حمدالله مستوفی قزوینی در کتاب خود بنام نزهة القلوب (۷۴۰) هجری چنین مینویسد، «آب سفید رود ترکان هولان موران خوانند از جبال پنج انگشت که ترکان بشریرماق خوانند بولایت کردستان برمیخزد» (۲) همچنین وی مینویسد «آب میانج از حدود کوههای اوجان بر- میخیزد و بر آن ولایت گذشته در میانج بآب هشتروند جمع شده بسفید رود میریزد» (۳)

۶- خواجه رشیدالدین فضل الله نیز از این رودخانه بنام هولان موران یاد نموده و در تاریخ مبارک غازانی در بیان عزیمت غازان بصوب بغداد چنین آورده است،  
 (.... چهاردهم ربیع الآخر بحدود سرای جوهر کورکان رسید و در سنورلقی و حدود همدان برف بافراط افتاده بود و سرما بنایت سخت شده و راه بغداد بر آن صوب ممکن نه که توان رفت بدان سبب عزیمت بغداد فسخ نمود و بکنار هولان موران فرود آمد چنانچه از جمله قشلاخهاست.) (۴)  
 ۷- باز در تاریخ مبارک غازان از این رودخانه بنام سفید رود یاد کرده چنین مینویسد،  
 «... و از آنجا شهزاده خربنده و شهزاده ایلدار بخدمت رسیدند و چون بهتان کنار سفید رود آمد امرا دولادای ایداجی و ایلتمور پسرهند و قور با جمعی دیگر به بندگی رسیدند و از آنجا کوچ کرده بیوز آغاچ نزول فرمود ....» (۵)

۸- نسوی صاحب کتاب سیرة جلال الدین منکبرنی که آنرا در حدود سنهٔ قرن هفتم هجری برشتهٔ تحریر آورده و در ذکر حال اتابک ازبک در زمان پادشاهی سلطان جلال الدین چنین توصیف میکند،  
 (.... اتفاقاً امیر دکجک سلاحدار مقطع ولایت کیبود جامعه بود از ناحیت مازندران بمیانج که از شهرهای آذربایجانست در پی کرد و برکنارجوی سپید ملک نصره الدین را بگرفت و معظم جماعتی که با وی بودند در حبالهٔ اسر گرفتار شدند.) (۶)

همانطور که معروض افتاد در همهٔ مدارک قدیمه نامی از قزل اوزن برده نشده و از آن با بنام سفید رود و دورهٔ ایلخانان منقول بنام هولان موران و سفید رود یاد شده است و مسلماً نام این رودخانه تا اواخر قرن هشتم سفید رود نامیده میشد. و نام قزل اوزن از دورهٔ صفویه بآن اطلاق شده است و نام قزل اوزن همزمان با بمیان آمدن القاب قزلباش و امثال آن مسطرح و معمول گشته است.

گرچه فاضل محترم آقای رحیم زاده صفوی در کتاب شرح جنگها و تاریخ زندگانی شاه اسماعیل صفوی چاپ تهران سال ۱۳۴۱ شمسی در صفحه ۴۷ در توجیه مفهوم قزلباش از نام قزل اوزن استشهاده نموده و نوشته اند،

- ۱- معجم البلدان جلد اول صفحه ۲۲۱ چاپ مصر سال ۱۳۲۳ هجری قمری
- ۲- نزهة القلوب - مستوفی صفحه ۲۱۷ و ۲۲۳ چاپ لیدن سال ۱۳۳۱ هجری قمری.
- ۳- تاریخ مبارک غازانی تألیف خواجه رشیدالدین فضل صفحه ۱۵۰ چاپ انگلستان سال ۱۳۵۸ هجری.
- ۴- همان کتاب صفحه ۸۴ و بیوز آغاچ بین محال هشتروند و مراغه بوده است.
- ۵- فعلاً میانه نام دارد و در نزدیکی قزل اوزن واقع شده است.
- ۶- سیرت جلال الدین منکبرنی به تصحیح دانشمندگرا نمایه آقای مجتبی مینوی چاپ تهران صفحه ۲۵ سال ۱۳۴۴ شمسی.

«لفظ قزل در نام رودخانه (قزل اوزون) که در خاک آذربایجان جاریست و در گیلان سفید رود خوانده میشود نیز همان معنی را میدهد که تقریباً مرادف (مردکش) یا به اصطلاح تهرانیها (لوتی کش) است زیرا این رود در قسمت بالا بسیار تند می‌رود و مرد و مرکب را می‌مطلاند و میبرد شاید ترکیب (شیراوزن) را با قزل اوزن بتوان مرادف دانست».

استدلال دانشمندان گرامی آقای رحیم زاده صفوی در معنا و مفهوم قزل اوزن مقرون بصواب نیست زیرا معانی شیراوزن و لوتی کش و مردکش هیچکدام از لحاظ مفهوم و ترجمه قزل اوزن از ترکیب فارسی مصداق پیدا نکرده و بلکه کاملاً منافی و استنباط شخصی است نه لغوی و تاریخی. زیرا قزل بمعنای طلا در ترکیب واژن Uzen بمعنای شناکننده و یا شناور است. و اگر چنین توجیه کنیم رسوباتی که رودخانه با خود حمل میکند و سبب آبادی و حاصلخیزی زمینهای مسیر خود و بالاخره گیلان میگردد بمثابة ذرات طلائی است که در رودخانه شناور است شاید اوقع در نفوس و رساتر تسویحات باشد. و یا بهتر بگوئیم از کلمه قزل بمعنای طلا در مفهوم رنگ سرخ و یا طلائی نیز در رنگها استفاده میکنند که در نام قزل اوزن نیز بمناسبت سرخی رنگ آب رودخانه از این کلمه استفاده شده و قزل اوزن بمعنای سرخ رنگ شناور یعنی جاری میباشد که در سایر موارد مانند رودخانه قزل ایرماق بکار رفته است. و از طرفی اگر متن عبارت کتاب نزهة القلوب حمدالله مستوفی را که با تحشیه و تصحیح دانشمندگرامی آقای دکتر دبیر سیاقی چاپ و منتشر شده است قبول نمائیم (۱) بدین مضمون «مراغه از اقلیم چهارم است . . . حاصلش غله و پنبه و انگور و میوه باشد اکثر اوقات آنجا درزانی باشد ولایتش شش ناحیه است، سراجو و بناجون و دیزجرود و گاودول و هشتگرد و بهستان و انگوران و قزل اوزن».

شاید رودخانه بلحاظ عبور از کنار این آبادی قزل اوزن نامیده شده است زیرا انگوران فعلاً جزو شهرستان زنجان بوده که انگوران بماء نشان تبدیل شده است از بخش قزل اوزن نامی در تقسیمات کشوری جزو شهرستان مراغه یا شهرستان زنجان دیده نمیشود و شاید در اثر حوادث و رویدادهای تاریخی نام این آبادی نیز تغییر یافته باشد.

### پل پلدختر

پل پلدختر بر روی رودخانه قزل اوزن در مدخل ارتفاعات قافلانکوه تقریباً در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر میانه در آذربایجان شرقی بنا شده است.

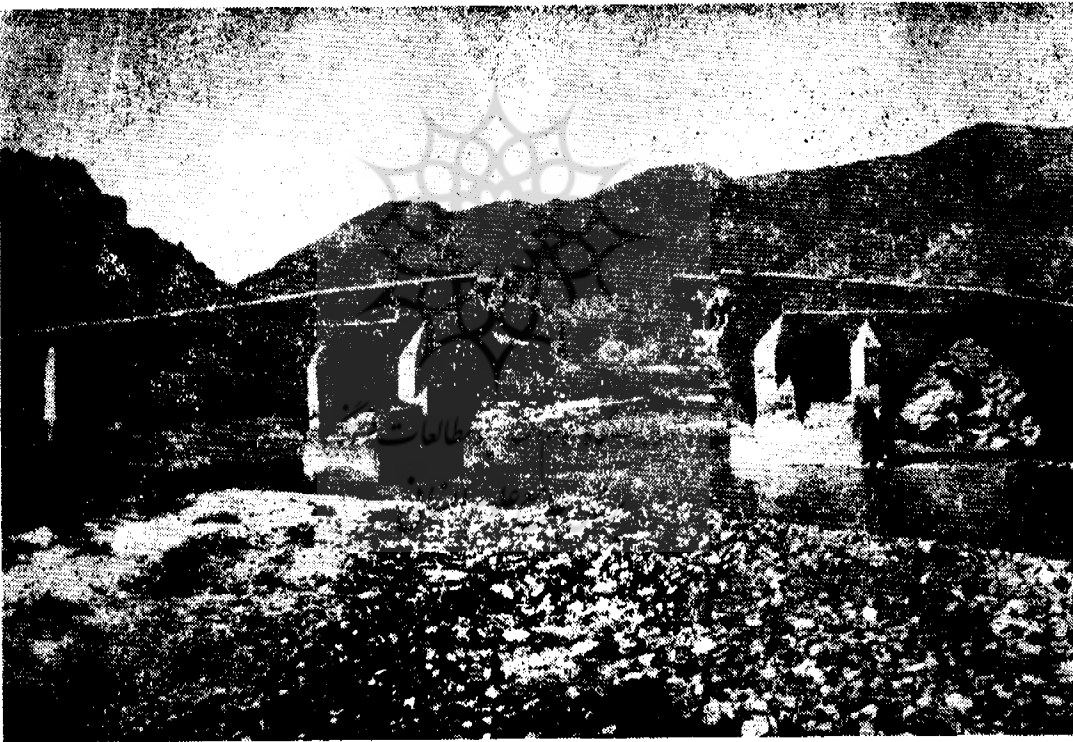
این پل بمناسبت این که بر سر راههای اران و ارمنستان و برده و طرابوزان واقع شده و بر سر شاهراه بازرگانی - جلفا - پاکستان و هندوستان و شوروی و ترکیه است اهمیت بسیار مهم مواصلاتی - تجارتمی و سوقالجیشی داشته و دارد چنانکه موقعیت ممتاز این پل همیشه مورد نظر سلاطین و امراء و فرماندهان لشکرها بوده کسانی که میخواسته‌اند قشون خود را بفلات آذربایجان و یا به خسه و با به عراق عجم و یا به بغداد و شامات و یا بشرق فلات سوق دهند. بهمین جهت است اغلب سیاحانی که از آذربایجان عازم داخله فلات ایران بوده‌اند ناچار از کنار

۱- کلمه قزل اوزن در نزهة القلوب به تصحیح مرحوم لسترنج چاپ لیدن نوشته نشده است و در نزهة القلوب به تصحیح آقای دکتر دبیر سیاقی در صفحه ۹۹ چاپ تهران سال ۱۳۳۶ نوشته شده است.

این پل گذشته و در سفرنامه‌های خود بدان اشاره نموده اند مانند شاردن ، مادام دیولافوا ، و سایرین . تاریخ بنای پل به تحقیق معلوم نیست و کتیبه‌ای هم که دایر به بنای پل در یکی از پایه‌های پل موجود بوده سائیده شده و متن آن از بین رفته است . ولی دانشمند فقید ایران‌شناس و ایراندوست شادروان پرفسور پوپ از قول آ. هوتوم شیندلر A. Houtum Schindler که آن کتیبه را خوانده است چنین مینویسد ،

«شاید زیباترین پل موجود در ایران همان باشد که بر روی رودخانه مواج قزل اوزن کند ( ۱ ) بسته‌اند . . . . . تاریخ بنای پل باواخر قرن پانزدهم میرسد اگرچه مصالح ساختمانی آنرا میشود بدوره‌های اخیر دانست .»

سنگ بنای پل تاریخ احداث آنرا ( ۱۴۷۵ - ۱۴۸۴ هجری ) نشان میدهد ، گرچه خواندن آن برای کتیبه‌شناسان مشکل است . اسم بنا ( معمار ) و حاکم حامی او چنین ثبت شده ، حاجی عباس بن الحاج محمود بن - محمد بن العباس القزوینی و محمد روان ؛ بن عمان القزوینی .



### پل پلدختر

دهانه وسطی این پل هنگام عقب نشینی متجاسرین و ورود قشون مرکزی برای جلوگیری و تأخیر از ورود قشون دولت مرکزی بوسیله متجاسرین خراب شده است .

۱ - مقصود مرحوم پروفسور پوپ قزل اوزن بوده و قزل اوزکند صحیح نیست .

سنگ بنای دیگری تاریخ مرمت پل را بوسیله شاه بیگم (بانو) بسال ۱۵۱۷ (۹۲۳ هجری) نشان میدهد. (۱) این تاریخ بوسیله A. Houtum Schindler خوانده شده وی نام حامی را نیز خوانده و این کتیبه از نظر ناخوانی و عدم ارتباط موضوع در بناهای تاریخی بی مانند است. آقای میثوی که از روی تصاویر کار میکرده نظرشیندلر را تأیید و اسم بنا را نیز خوانده است. (۲)

با احترام فراوان به نظریه دانشمند فقید پروفیسور پوپ بنظر نگارنده بنای پل یا در دوره سلطنت غازانی که دوره عمران و آبادیهای بیشمار بوده بعمل آمده و یا در زمان سلطنت سلطان محمد خدا بنده و آغاز عظمت و آبادی سلطانی و رواج و پیشرفت شهر تاریخی تبریز این پل بی افکنده شده است که در هر حال اظهار نظر محققین و دانشمندان این مسأله را روشنتر خواهد ساخت.

هنگام پیشروی قشون مرکزی و عقب نشینی قوای متجاسرین در آذرماه ۱۳۲۵ یکی از دهانه‌های این پل برای جلوگیری از پیشرفت قشون مرکزی بوسیله مواد منفجره خراب گردیده و عکس مقابل نمایانگر این واقعه تاریخی میباشد.

۱- تاریخ تعمیر کتیبه موجود فعلی ۹۳۳ هجری است.

۲- کتاب A survey of Persian Art تألیف مرحوم پروفیسور پوپ جلد سوم صفحه

۱۲۳۴ چاپ انگلستان.

# ینما

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

مجله‌ها: ادبی، هنری، تاریخی

مدیر و نویسنده: حمید نیسانی

تأمین در فروردین ۱۳۲۷

سر دبیر: بانو دکتر نصرت تجربه‌کار

(زیر نظر هیئت نویسندگان)

دفتر اداره: شاه آباد - خیابان ظهیرالاسلام - شماره ۲۴

تلفون ۳۰۵۳۴۴

بهای اشتراك سالانه در ایران: سی تومان - تك شماره سه تومان

در خارج: سه لیره انگلیسی